

تاریخ کیش زرتشتی

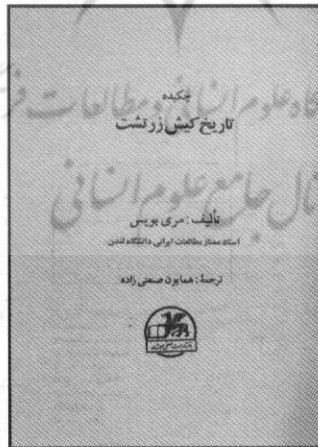
معرفی و نقد

○ دکتر حسین حیدری

○ چکیده تاریخ کیش زرتشتی مری بویس ترجمه همایون صنعتی زاده صفیعلی شاه، ۱۳۸۱ الف) پیشینه ایران شناسی در غرب: کشف سیمای واقعی مزدپرستی و معرفی تاثیر این میراث عظیم در تحولات دینی ایرانیان و دیگر ملت‌ها (به‌ویژه یهودیان، مسیحیان، گنوسیان و مانند آن) تا حدود بسیاری مدیون و مرهون گزارشگران، عالمان و به‌ویژه پژوهشگران اروپایی بوده است. چرا که از سویی، به دلایل مختلف سیاسی و اجتماعی، بسیاری از میراث مکتوب مزدپرستی در طول تاریخ از بین رفته یا

باورهای فلسفی و جهان‌شناسی و اجتماعی و سیاسی افلاطون (۴۲۹ یا ۴۲۷-۳۴۷ ق. م) نیز - به گزارش محققان - تا حدود زیادی از اندیشه‌های ایرانیان باستان تاثیر پذیرفته^۲ و نمایانگر اندیشه‌های ایرانی است. وی نخستین عالم اروپایی است که در اثر خود از زرتشت نام برده و تاریخ زندگی زرتشت را شش هزار سال پیش از دوره خود ذکر می‌کند. در این‌باره از شخصیت‌های دیگر یونانی و رومی قبل از میلاد، همچون آگاسیاس^۵ (۵۸۲-۵۳۶ ق. م)، پولی نیوس^۶، اوزیبوس (۱۳۰-۸۰ ق. م) و استرابون^۷ (۶۳ ق. م - ۱۹ یا ۲۰ م) می‌توان نام برد.^۸

سیر شناخت و گزارش اروپاییان پس از میلاد در آثار امثال پلوتارخ^۹ (۱۲۰-۴۶ م) پلینی رومی^{۱۰} (۲۴-۷۹ م) و حتی در آثار بزرگان عالم مسیحیت همچون آگوستین قدیس (۳۵۴-۴۳۰) که مدت‌ها مانوی بود و سپس مسیحی شد، و یوحنا دمشقی (۴۵۳-۵۳۳ م) مشاهده می‌شود.



دچار تحریف آشکار و پنهان گردیده است. از سوی دیگر، نمی‌توان از این واقعیت گریخت که علاقه‌مندی و وابستگی هر فرد یا قوم به اعتقاداتش می‌تواند مانع شناخت صحیح و بی‌طرفانه و ماندگار باشد: حَبْكَ الشَّيْءِ يَمُومُ وَيُصَمُّ.

قدیم‌ترین گزارش‌های اروپاییان از کیش ایرانیان باستان به فیثاغورس^۱ (۵۷۰-۴۹۵ ق. م) بازمی‌گردد. پس از وی روایات خسانتوس^۲

و گروهی به شبه‌قاره هند و گروهی دیگر به ایران مهاجرت کنند، قرن‌ها با یکدیگر همزیستی و اشتراک عقیده دینی داشتند و به زبانی واحد تکلم می‌کردند. براین اساس، اگر بسیاری از متون کهن ایرانی به دلایل متعدد از دست رفته و در اختیار ما نیست، خوشبختانه وداهای هند از جمله ریگ‌ودا (مربوط به ۱۷۰۰ قبل از میلاد) آینه اندیشه‌های آریاییان تازه استقرار یافته در هند است.^{۱۸} از این رو، بویس ژرف‌کاوی و توجه ویژه‌ای به وداها و متون سانسکریت دارد و از مصالح و قرائن آنها در بازسازی بنای باورهای ایرانیان قدیم بهره می‌گیرد. به نظر وی زرتشت نیز به رغم نوآفرینی از اعتقادات گذشته تأثیر پذیرفته و فرزند زمان خویش و دوران گذشته است. کتاب بویس برای شناخت هندوییزم قدیم نیز مرجع سودمندی است. نمونه‌ای از استنباطات او در باب پیشینه نام اهورامزدا خواندنی است: «حتی علی‌رغم شکوهمندی رویا و مکاشفه‌نویین زرتشت، خدای بزرگی که خود را به وی می‌نمایاند، به‌گونه‌ای آشکار همان اهورای آشنای کهن کافران یا ارباب خرد است. مزدا در گذر زمان (سرای نغمه‌ها) یا در فردوس و ملکوت خورشید^{۱۹} زیست می‌کند... از آنجاست که با چشمان تیزبین خود گناهان آدمی را مراقب است.^{۲۰} نیکان یا اشوان از راه اشته به جای اهوره می‌رسند.^{۲۱} ریشه هند و ایرانی این باورها و پندارها را در ودا می‌یابیم...»^{۲۲}

۴. برخی از پژوهشگران اروپا از قبیل ماریان موله^{۲۳} در اصالت وجود زرتشت یا در پیامبری او تردید داشتند^{۲۴} و مدعی بودند که زرتشتیان در اثر تضییقات و فشارهای مسلمانان برای معتقدات خود پیامبری بر ساخته‌اند. نیبرگ زرتشت را شمن یا ساحر قبیله خود دانسته^{۲۵} و هرتسفلد او را سیاستمداری هوشمند معرفی کرده است.^{۲۶} مری بویس در سراسر آثار خود در مواجهه با «انبوه ادله و گواهی‌های موجود» به اصالت آن پیامبر باور دارد و می‌گوید: «تردید هم نمی‌توان داشت که زرتشت هم پیامبری الهام شده و هم اندیشمندی متفکر و روحانی بوده»^{۲۷} و «گاتها سروده اوست».^{۲۸} علاوه بر آن، موضع هوادارانه مری بویس نیز شگفت‌انگیز است؛ برای مثال وی در وصف سرود «اهون ویریه» (یثه اهوویریو)، مقدس‌ترین نیایش زرتشتیان، که به گفته اوستای متأخر، اهورامزدا پس از خلق عالم آن را زمزمه کرده است،^{۲۹} چنین می‌گوید: «دلیلی نیست این نیایش را سروده خود زرتشت ندانیم. بستگی فراوان با گاتها دارد. ظرافت اندیشه‌های زرتشت که در این نیایش آمده چنان حیرت‌انگیز بوده، گفته‌هایش چنان معنادار است که توافق درباره معنای دقیق این سرود مقدس را غیرممکن می‌کند. آنچه خواهد آمد ترکیبی است از چهار ترجمه گوناگون:

«برحسب اشا، او «اهورامزدا» همان قدر که مولای است، داور نیز هست. اوست انگیزه و فاعل منش نیک و زندگی، ملکوت از آن اهورامزداست. اهورامزدایی که گله‌بان وارستگان «درویشان» است.»
واژه‌ای که «فقیر» یا «وارسته» ترجمه شده از بن واژه «دریکو dregu» بوده، که واژه فارسی امروزی درویش از آن مشتق شده است. ظاهراً از آن معنای خاصی استنباط می‌شد که مفهوم «پیرو راستین کیش زرتشت، خداپرستی فروتن و با تقوی که هیچ نداشته و تنها به خداوند توکل دارد» را می‌رساند. نیاش «اهون ویریه» که اعلام می‌دارد اهورامزدا

پس از رنسانس و پیامدهای آن (کاهش سیطره کلیسا، گسترش صنعت نشر، مهاجرت‌ها و گسترش استعمار اروپایی) زمینه مساعدتری برای شرق‌شناسی فراهم آمد.

بارنابه بریسون نخستین اروپایی بود که در سال ۱۵۹۰ م. کتابی مستقل در باب آیین مزدیسنا به طبع رسانید.^{۳۰} پس از وی آنکتیل دوپرون^{۳۱} در ۱۷۷۱ م. ترجمه اوستا را به زبان فرانسه منتشر ساخت (۴۸۶-۴۲۰ ق.م) و پس از وی نیز در کشور فرانسه، به‌ویژه در دو قرن اخیر محققان بزرگی همچون دارمستتر، دومزیل، دمرگان، دوش گیمن، برنوف، بنونیست و بارتمی در شناخت زبان و ادبیات و فرهنگ و عقاید ایران باستان گام‌های بلند و موثری برداشته‌اند. پس از فرانسه، کشور آلمان بستر تحقیقات و مطالعات جدی درباره ایران باستان بوده است. در این باره از پژوهشگران بزرگی چون بارتولومه، ریشلت، اشپیکل، ماکس مولر، هوگ، هورن، هرل، ویلدن گرن، یونکر، هنینگ و هرتسفلد می‌توان نام برد.

پس از این دو کشور، انگلستان نیز در این پژوهش‌ها سهیم بوده است. توماس هاید انگلیسی استاد دانشگاه آکسفورد، هفت سال قبل از آنکتیل دوپرون ترجمه اوستا را به زبان انگلیسی منتشر کرده است. بعد از او آثار میلز، وست، ایلیاگرشویچ، زرن و دیگران تألیف شده است.^{۳۲} گرچه کوشش‌های هر یک از این پژوهشگران، به‌ویژه از حیث پیشگامی، ستودنی است ولی آثار مری بویس^{۳۳} استاد مدرسه مطالعات آسیایی و آفریقایی دانشگاه لندن - در رشته زبان‌های میانه ایرانی و صورت متأخر دینت زرتشتی - به جهاتی که خواهد آمد، ممتاز است. در این مقاله به بررسی بنیادهای پژوهشی او در جلد اول کتاب تاریخ کیش زرتشتی و سپس بررسی ترجمه کتاب به زبان فارسی به‌خامه آقای همایون صنعتی می‌پردازیم.^{۳۴}

ب) بنیادهای پژوهشی تاریخ کیش زرتشتی

۱. پژوهشگران به منظور کشف و شناخت عقاید اولیه و اصیل ایرانیان باستان، عمدتاً از قرائن زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی سود جست و صرفاً بر متون ملون مکتوب کهن‌تر استناد کرده‌اند. ولی خانم مری بویس معتقد است بسیاری از متونی که بعدها صورت مکتوب یافته است از نظر فکر و اعتقاد بر متون قدیم‌تر مکتوب، تقدم دارد و به دلایلی، از قبیل مغلوب بودن معتقدان به آن، رسمیت و کتابت نیافته است. از این جهت، مری بویس بیش از گاتها به اوستای متأخر (یسناها، یشت‌ها، خرده‌اوستا، ویسپرد، وندیداد) و متون پهلوی (بندھشن، دینکرد و...) که بعضاً هزار سال پس از گاتها به صورت نوشتاری درآمده، ارجاع می‌دهد و در مواردی نیز از آثار دوره اسلامی از قبیل آثار الباقیه بیرونی استفاده می‌کند.^{۳۵}

۲. مری بویس بر این اصل تأکید دارد که فرهنگ غالب در گذشته عمدتاً فرهنگ شفاهی بوده و بسیاری از اندیشه‌های کهن تا زمان حاضر نیز به صورت مکتوب درنیامده است. از این رو وی برای کشف قدیم‌ترین اعتقادات مزدیسنا، از مشاهدات خود در انجام مراسم زرتشتیان ایران و هند و گفته‌های آنان نیز استفاده می‌کند.^{۳۶}

۳. مری بویس چون دیگر پژوهندگان می‌داند که آریاییان قبل از آنکه از هزاره سوم پیش از میلاد مسیح (ع) به تدریج از یکدیگر جدا شوند

با توانایی‌ها و اراده‌اش پشتیبان و محافظ «درویش» است، تنها شهادت به ایمان نیست».^{۲۰}

۵. کتاب بویس از جهت ارجاعات و استنادات و جامعیت و بررسی علمی، نسبت به آثار مشابه برتری دارد. «وی در عین حال به دلیل توجه به روان‌شناسی معرفت و انگیزه‌ها و پیامدهای فکری و روانی متدینان و همچنین علایق قلبی به موضوع کتاب، به راحتی به مفاهیم با مخاطب موفق می‌شود. آنچه که جاذبه کتاب را بیشتر می‌کند، نگارش روان و استفاده بجا از تمثیلات زیبا برای تقریر و تبیین آموزه‌های مؤلف است؛ گزیده زیر برخی از این ویژگی‌ها را می‌نمایاند: «هر یک از آسوراهای باستانی هندو - ایرانیان مظهر یک مفهوم یا اندیشه تجریدی است... می‌دانیم یکی از عادت‌های فرهنگ هندو - اروپایی این بود که وجود هر نیروی ناپیدا را، که تصور جلوه‌هایش ممکن باشد، عینی و واقعی بینارند. از اینجاست که آنچه ما تجریدی می‌انگاریم مثلاً عدالت یا شهامت را مردم روزگار باستان نوعی نیرو و توانایی می‌پنداشتند. اینکه این نیرو یا توانایی چگونه و چرا جثه الهیته پیدا کرد و صاحب مشخصات خلقی و جسمی شد و از انبوه اساطیر انباشته گشت و دارای مراسم ویژه پرستش گردید، جریانی است که در پشت ولای پرده‌های ابهام روزگار اعصار پیش از تاریخ مکتوب، پنهان است.

اما شاید این جریان یا فرآیند بی‌شبهت نباشد به چگونگی پیدایش مروارید در صدف دریایی. همان‌گونه که هر مرواریدی خواه غلطان و یکتا باشد و یا ریز و بی‌مقدار عبارت است از پرده‌های غشایی که به گونه‌ای مکرر از بدن ترشح می‌شود تا جسم بیگانه و مزاحم - که به داخل بدن صدف راه یافته است - را قرنطینه و نرم و قابل تحمل کند، بر گرد حرقه اندیشه نخستین ایزد نیز، پرده‌های مکرر باورها و اعتقادات و انجام فرایض، ترشح و تنیده شده است.»^{۲۱}

ج) کاستی‌های ترجمه

مترجم گران‌قدر چنان‌که خود متواضعانه تصریح دارد، در شناخت فرهنگ و ادیان ایران باستان «صاحب تخصص و تبحر نیست» و از سویی دیگر به نظر می‌رسد که با وجود تسلط بر زبان مبدأ در بسیاری از قسمت‌ها در کاربرد جملات شیوای زبان مقصد (زبان فارسی) چیرگی نشان نمی‌دهد. در نتیجه نتوانسته است ترجمه‌ای دقیق و شایسته برای این کتاب ارزشمند در اختیار فارسی‌زبان قرار دهد. آنچه در پی می‌آید نمونه‌هایی از این خطاها و کاستی‌هاست:

۱. به دلیل آنکه اعلام و اصطلاحات کتاب از زبان فارسی (باستان و میانه) به زبان انگلیسی منتقل شده و به اقتضای ساختار آوایی آن دگرگون شده است، مترجم می‌بایست آوانویسی^{۲۲} یا نویسه‌گردانی^{۲۳} آنها را مطابق با تلفظ و کتابت فارسی امروز یا دیروز ارائه می‌کرد. به دلیل همین عدم توجه است که مترجم بارها باکتريا را به جای بلخ^{۲۴} یا اوزدان را به جای استودان یا ستودان (استخوان‌دان) به کار برده است.^{۲۵} با توجه به این که مصوت‌های کوتاه فارسی نوشته نمی‌شوند، آوردن برابر نهاده‌ها در همه موارد یا دست‌کم ترتیب الفبایی در پایان کتاب ضرورت داشت.
۲. نمونه‌های زیر نشان می‌دهد که برخی از جملات ترجمه شده با

قواعد دستوری زبان فارسی تطابق ندارد. واژه‌ها به فارسی ترجمه شده‌اند، اما ساختار جملات انگلیسی باقی مانده است:

«... پس نه سند کتبی و نه گواهی باستان‌شناسی در تأیید اینکه در روزگار باستان بناهای ساخته شده برای در معرض هوا گذاردن اجساد عمارت می‌کرده‌اند، نداریم».^{۲۶}

«ایزد... معنای دقیق آن را نه واژه خداوند نه واژه فرشته می‌رساند...».^{۲۸}

«از داده‌های جغرافیایی نیز سود چندانی نمی‌توان برد؛ از یک سو به سبب ناچیزی این داده‌ها و از سویی دیگر به علت رغبت طبیعی ایرانیان چادر نشین که اسامی مکان‌های آشنا را در بیان‌گردی‌ها و کوچ‌ها همراه خود می‌بردند؛ تا به کوه‌ها و رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و دریاچه‌های سرزمین‌های نوینی که در آن‌جا اقامت می‌گزیدند، بدهند».^{۲۷}

۳. در مواردی که نویسنده برای استشهاده مطالب کتاب بخش‌هایی از نصوص متون دینی را ترجمه و به نقل قول مستقیم پرداخته است، مترجم - به همان دلیل عدم تخصص در زبان اصلی این متون - در یادداشت آغازین کتاب می‌گوید تا آنجا که ممکن بوده، از ترجمه‌های فارسی آن منابع و مأخذ استفاده کرده است. مأخذ اصلی او در این باره یکی از دقیق‌ترین و جدیدترین ترجمه‌های اوستا (به قلم جلیل دوستخواه) است، ولی از ترجمه‌های دیگر نیز استفاده کرده و در مواردی نیز ترجمه انگلیسی بویس را به فارسی برگردانیده است. به باور راقم این سطور، شایسته بود مترجم محترم در سراسر کتاب وحدت رویه را حفظ می‌کرد و در استشهادات مربوط به اوستا و نیز در برابر نهاده‌های اعلام و اصطلاحات از ترجمه دوستخواه بهره می‌گرفت و در یادداشت خود بدان اشاره می‌کرد. برای مثال، ترجمه سرود «یته اهوویریو» به خامه دوستخواه را ترجمه مذکور در صفحات پیشین مقایسه کنید:

«همان‌گونه که آورد برگزیده و آرمانی جهانی (اهو)، رد مینوی (رتو) و بنیادگذار کردارها و اندیشه‌های نیک زندگانی در راه مزداست، شهریار می‌نوی از آن اهوره است. اهوره است که او را به نگهبانی درویشان برگماشت».^{۲۹}

۴. عنوان روی جلد کتاب تاریخ کیش زرتشتی است، ولی جلد اول بودن آن مشخص نشده و این سهو یا عمد از سوی ناشر یا مترجم، با صداقت علمی سازگار نیست. ضمن آنکه در مشخصات فهرست‌نویسی و رده‌بندی، عبارت «Early Period» به «اوائل کار» ترجمه شده در حالی که «دوره آغازین» یا «دوره تکوین» یا «سده‌های نخست» ترجمه دقیق‌تری است. همچنین عنوان فصل آخر بدون توجه به محتوای آن «مراسم تشییع» ترجمه شده در حالی که «آداب تدفین» ترجمه بهتری است.

مترجم گران‌قدر بارها اصطلاح «کافران» را درباره زرتشتیان به کار می‌برد،^{۳۱} در صورتی که این اصطلاح، با توجه به معنای تجربی و دینی آن و طیف معنایی و احکام و پیامدها و تداعی‌هایش، ویژه متون اسلامی است. همچنین بهتر است به جای اصطلاح «پندار» نیک که در زبان فارسی جنبه منفی و موهومی دارد، اصطلاح «اندیشه نیک» و به جای «انگاره»، «عقیده» یا «باور» را جایگزین کرد.^{۳۲}

۱۵. مری (ماری) بویس، تاریخ کیش زرتشته اوائل کار، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۷۴، ۴۴۸ ص.
۱۶. نک: مری بویس، همان، ص ۳۴، ۱۷۰، ۳۸۲.
۱۷. همان، ص ۱۵۴، ۲۶۸، ۲۹۴-۲۹۵، ۴۳۸. همچنین نک: مری بویس و کای بار و آسموسن، دیانت زرتشتی، ترجمه فریدون وهمن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۸. بسیاری از محققان معنای لغوی نام‌های دو کتاب اوستا و ودا را مترادف و از ریشه هند و اروپایی وید (به معنی دانستن) و تقریباً معادل با «آگاهی‌نامه» دانسته‌اند. (دوستخواه، جلیل. ترجمه اوستا، دو جلد، انتشارات مروارید، ۱۳۷۰، ص ۹۳۲، ۱۰۷۰).
۱۹. یسنا، ۱۶-۴۳.
۲۰. همان، ۱۳-۳۱.
۲۱. همان، ۵-۳۳، ۳-۴۳.
۲۲. تاریخ کیش زرتشته ص ۲۷۶ همچنین نک: ص ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۳۲، ۱۵۷، ۱۶۴.
23. Marjan Mole
24. C.f. Eliade, Mircea, A historical religious ideas, Vol.1, The University of Chicago Press, 1987, p. 305.
25. Ibid, p. 305.
۲۶. نک: زرتشت سیاستمدار یا...، ص ۱۴-۱۵ و نقد دکتر فتح‌الله مجتبیایی در مقدمه این کتاب همچنین نک: نقد ایاده، همان ص ۳۰۸-۳۰.
۲۷. همان، ص ۲۹۴.
۲۸. همان، ص ۲۶۶.
۲۹. یسنا، ۸-۱۹.
۳۰. بویس، همان، ص ۳۶۰.
۳۱. در ۱۵۰ صفحه سه فصل اول، به بیش از ۶۵۰ کتاب و مقاله ارجاع شده است.
۳۲. بویس، همان، ص ۴۵.
33. Transcription
34. Transliteration
۳۵. نک: همان، ص ۱۸، ۱۷۸.
۳۶. همان، ص ۴۴۲.
۳۷. همان، ص ۴۴۳؛ نگارش درست آن: «سپس هیچ سند کتبی یا گواهی...»
۳۸. همان، ۴۵۲؛ نگارش درست آن: «واژه ایزد دقیقاً به معنی خداوند یا فرشته نیست»
۳۹. همان، ص ۲۶۳.
۴۰. اوستا، دو جلد، ترجمه جلیل دوستخواه، انتشارات مروارید، چ ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹۰.
۴۱. همان، ص ۴۰۴، ۴۴۰، ۴۴۵.
۴۲. همان، ص ۱۶۴، ۳۵۵.
۵. برخی از خطاها در ترجمه اصطلاحات و اعلام، ناشی از عدم تخصص نویسنده در موضوع و فارسی باستان و بعضی به دلیل توجه نکردن به قواعد آوایی خط فارسی برای اسامی خاص و برخی نیز از خطاهای تالیپی است:
برای مثال اشا به جای اشه (ص ۴۵۱)؛ چینواد به جای چینود (ص ۳۴۱) و ائیرمین ایشیه به جای آیریمین ایشیه (ص ۳۶۰).
این خطاها به هیچ‌وجه از ارزش همت و پیشینه فرهنگی مترجم نمی‌کاهد. این نقیصه‌ها را با ویرایش محتوایی و ادبی می‌توان رفع کرد. راقم امیدوار است که ویراستاری تخصصی و ادبی در کتب تخصصی جایگاه شایسته و بایسته خود را بیابد.
پی‌نوشت‌ها:
1. Pythagoras
 2. Xantus
 ۳. این کتاب به فارسی ترجمه شده است: تاریخ هرودت، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، ۱۳۲۴ و همچنین: تاریخ هرودت، جلد اول، ترجمه دکتر هادی هدایتی، تهران، ۱۳۳۶.
 ۴. نک: مجتبیایی، فتح‌الله، شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان، تهران، انجمن فرهنگ ایران باستان، ۱۳۵۲ ش. و اوانسیان.
 5. Agathias
 6. Polinus
 7. Strabo
 ۸. جهت اطلاع از گزارش‌های یونانیان باستان نک: امیل بنونسیت، دین ایرانی بر پایه متن‌های مهم یونانی، ترجمه بهمن سرکارانی، چاپ دوم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴.
 9. Ploutarxos
 10. Plinius
 11. Barnabe Brisson, De regio Persaurm Puncipata lilu tres
 12. Anquetil duperron
 ۱۳. البته نمی‌توان فعالیت‌های ایران‌شناسان بزرگ دانمارکی از قبیل کریستینسن، کای‌بار، آسموسن و وسترگارد را نادیده گرفت. در دیگر کشورها چون ایالات متحده آثار امثال جکسون، اولمستد، ویتنی و در روسیه آثار دیاکونوف و در سوئد آثار تیریرگ نیز خواندنی است. جهت مزید اطلاع از کوشش‌ها و اندیشه‌های ایران‌شناسان غرب به کتب زیر مراجعه کنید:
دوش گیمن، زرتشت و جهان غرب، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ دوم، انتشارات مروارید، ۱۳۶۳؛ هنینگ، زرتشت سیاستمدار یا جادوگر، ترجمه کامران فانی، تهران، نشر پرواز، ۱۳۶۵؛ آسموسن و کای بار و مری بویس، دیانت زرتشتی، ترجمه فریدون وهمن، بنیاد فرهنگ ایران؛ اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنه نشر مرکز، ۱۳۷۱؛ رضی، هاشم. تاریخ مطالعات دین‌های ایرانی، سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۶۶.
 14. Mary Boyce